

عنوان مقاله:

پیش درآمدی بر مبانی امکان خوانش فلسفی شعر حافظ

محل انتشار:

چهاردهمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 6

نویسنده:

خدیجه حاجیان - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

نحوه ی مواجهه ی ما (در اینجا و اکنون) با آثار کلاسیک ادبی مان چگونه قابل تبیین است؟ چگونه می توان از این آثار برداشتی عملی داشت که به کار زیستن امروزی ما بیاید؟ امروزه مسئله ی آثار کلاسیک، یعنی نحوه ی تعامل امروزمین و زنده با آنها و چگونگی خوانش آنها، جایگاه، اعتبار و اهمیت آنها و بسیاری مسائل پیرامون آن، مسئله ای شناخته شده در میان صاحب نظران در سراسر دنیاست. در ایران که ادبیات مهمترین مولفه ی فرهنگی ما را می سازد، اهمیت چنین موضوعی مضاعف خواهد شد. در جایگاه ویژه ی شعر حافظ در میان همه ی این آثار، دست کم از نظر میزان توجه و ظرفیت های خوانش و تاویل پذیری نیز تردیدی نیست. شعر حافظ طی قرون متمادی همواره محل توجه و موضوع تامل بوده است؛ در دوره ی معاصر نیز نوشته ها درباره ی حافظ اندک نیست. بیشتر این تحقیقات، در جای خویش، کم و بیش پرتویی بر جهان شعر وی افکنده و سویی از اندیشه ی وی را روشن کرده است. توجه به جنبه ی فلسفی شعر حافظ نیز موضوع بسیاری از این تحقیقات و تامل ها بوده است. برخی بر آن بوده اند تا حافظ را بیشتر عقلی مذهب بدانند تا عارف مسلک و برخی را خوش تر آن بوده تا وی را در سلک عارفان در شمار آورند. آگاهی بر حضور تاریخ، سنت و هویت فرهنگی در پروسه ی فهم متن و فهم معنای زندگی از طریق زندگی های دیگر (شامل تجربه های زیسته سایر افراد و سایر فرهنگ ها) دست کم به دو طریق عمده می تواند مواجهه ما با اشعار کلاسیک فارسی از جمله شعر حافظ و امکان خوانش های نوین از این آثار را تحت تاثیر قرار دهد؛ نخست با نمایاندن امکان های ایجاد در ک زیبایی شناختی جدید مبتنی بر بسترها و زمینه های فرهنگی خود در جایگاه خوانندگان ایرانی این اشعار در فهم، نقد و چه بسا خلق شعر؛ زیرا درک ضرورت هستی شناسی یکی از بصیرت هایی است که هرمنوتیک فلسفی به ما می بخشد؛ دوم با ژرفا بخشیدن به فهم و تفسیر شعر از طریق آگاهی به شرط های لازم برای فهم راستین، که لازمه برگزشتن از گسست میان ما و آثار کلاسیک است.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1636236>

